

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲ اسفند ۱۴۰۰

موضوع جزئی: آیه ۴۶ \_ ۱. متعلق ظن در جمله اول \_ احتمالات هشت گانه مصادف با: ۱۹ رجب ۱۴۴۳

جلسه: ۴۷

{ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین }

**خلاصه جلسه گذشته**

در آیه ۴۶ سوره بقره یعنی «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، درباره معنای ظن بحث کردیم، احتمالاتی ذکر شد و نتیجه این شد که «یظنون» در این آیه به معنای یقین و علم است. ضمن اینکه احتمالات دیگری که در اینجا وجود دارد غلط نیست و چه بسا شواهد و قرائنی هم بر آن احتمالات وجود داشته باشد. لکن این احتمال از بین سایر احتمالات قوی تر به نظر می‌رسد.

**متعلق ظن**

گفتیم مهم این است که متعلق ظن معلوم شود. اگر «یظنون» بر سر ملاقات الرب آمده، در جمله بعدی بر سر رجوع به سوی پروردگار هم آمده. «یظنون أنهم ملاقو ربهم» و نیز «یظنون أنهم إليه راجعون». پس ظن در حقیقت در اینجا دو متعلق دارد و باید معنای هر دو متعلق معلوم شود، هر چند متعلق دوم شاید یک معنای روشن تر و واضح تری دارد. اما به هر حال ما درباره هر دو متعلق یا به تعبیر دیگر متعلق ظن در جمله اول و متعلق ظن در جمله دوم باید توضیحاتی بدهیم.

**۱. متعلق ظن در جمله اول**

اما در مورد متعلق ظن در جمله اول یعنی «ملاقو ربهم» چند احتمال وجود دارد. هشت احتمال و چه بسا هشت قول در اینجا می‌توان ذکر کرد، هر چند که برخی از این احتمالات و اقوال واضح البطلان اند، اما در عین حال برخی به گونه ای معنا کردند که این احتمال در اینجا هم قابل ذکر است.

**احتمال اول**

احتمال اول اینکه «ملاقو ربهم» به معنای رویت ظاهری است. بعضی به این آیه استدلال کرده اند بر جواز رویت خداوند. یعنی دیدن با چشم همانطور که اشیاء را می‌بینیم. پس یک احتمال در مورد «ملاقو ربهم» رویت با چشم سر است. بر این اساس معنا این می‌شود که خاشعین کسانی هستند که یقین دارند که خدا را می‌بینند.

این احتمال واضح البطلان است و در جای خودش هم بحث شده که اساسا امکان رویت حق تعالی نیست. علاوه بر آن، لفظ لقاء نمی‌تواند مفید معنای رویت باشد و ادله و شواهدی هم بر خلاف این وجود دارد. صرف نظر از دلالت «ملاقو ربهم» بر رویت، اصل رویت حق تعالی به معنایی که بعضی گفته اند محل اشکال است. خود «ملاقو ربهم» هم نمی‌تواند

به معنای رویت باشد به خاطر آیاتی که بر خلاف این است. مثل اینکه میفرماید: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ» در مورد منافقین می‌گوید نفاق در قلوبشان اینها را دنبال می‌کند تا روزی که او را ملاقات کنند. آیا کسانی که می‌گویند لقاء به معنای رویت است، معتقدند منافق یا کافر هم ربّ خود را می‌بینند؟ یا در بعضی از آیات کافران را تهدید کرده که از روزی بترسید که پروردگارتان را ملاقت می‌کنید «وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» یعنی بیرهزید و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد؛ این شامل منافق و کافر می‌شود. حال آیا می‌توان گفت لقاء در اینجا به معنای رویت است؟ این چیزی است که پذیرش آن مشکل است.

#### احتمال دوم

احتمال دوم این است که «ملاقو ربهم» کنایه از مرگ باشد، قبلا هم اشاره کردیم که اینجا خداوند تبارک و تعالی در حقیقت سبب ملاقات با خودش را اراده کرده. «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ» یعنی الذین یوقنون انهم یموتون. پس احتمال دارد که متعلق ظن در جمله اول مرگ باشد، یعنی آنها یقین دارند که به هر حال مرگ آنها فرا خواهد رسید. اگر ما «ملاقو ربهم» را کنایه از موت بدانیم، این استعمال مجاز است و البته مجاز از قبیل ذکر مسبب و اراده سبب است. چون آنچه که سبب ملاقات ربّ می‌باشد، موت است. انسان وقتی می‌میرد، آنگاه به ملاقات ربّ می‌رود. ملاقات ربّ به این معنا قطعاً به معنای رویت نیست، اما می‌تواند به معنای ملاقات ثواب پروردگار باشد و پاداش او و یا عذاب او. می‌تواند به معنای ملاقات اعمال خودش باشد که پروردگار نزد او حاضر می‌کند و امتثال اینها. یا ملاقات گناهان خود شخص باشد و...

اینها اموری هستند که همگی در اینجا محتمل است.

#### احتمال سوم

احتمال سوم این است که به معنای ملاقات حکم الله باشد، یعنی روزی که او حسابش را و حکمش را ملاقات می‌کند. طبق این احتمال ما یک تقدیری باید اینجا در نظر بگیریم و بگوییم «ملاقو ربهم» ای ملاقو حکم ربهم یا حساب ربهم. آن وقتی که به حساب و کتاب او می‌نشیند، محاسبه می‌کند اعمال او را و کارهای او را. یعنی باید بالاخره یک چیزی در اینجا در تقدیر بگیریم.

#### احتمال چهارم

یک احتمال اینکه منظور از ملاقات الربّ ادراک باشد، یعنی خاشعین کسانی هستند که ادراک حقیقی می‌کنند پروردگارشان را. آنهایی که به این احتمال قائل شدند، می‌گویند لقاء در لغت به معنای وصول احد الجسمین الی الآخر است. وقتی دو چیز به هم متصل می‌شوند و مماس می‌شوند، می‌گویند لقیّ هذا ذاک. و این اتصال و مماس شدن دو چیز با یکدیگر سبب می‌شود که ادراک صورت بگیرد، یعنی اینها یکدیگر را درک کنند. حال این لفظ وقتی در رابطه با

خداوند استفاده می‌شود و اضافه به ربّ پیدا می‌کند و می‌شود «انّهم ملاقو ربّهم»، دیگر نمی‌تواند به معنای تماس شدن و اتصال باشد، بلکه به معنای ادراک است، یعنی کأن اینها خداوند را ادراک می‌کنند، درک می‌کنند.

البته اگر ما گفتیم لقاء به معنای ادراک است، باز می‌شود از قبیل مجاز. یعنی ذکر السبب و ارادة المسبب؛ عکس آن صورت قبلی. آنجا ذکر المسبب و ارادة السبب بود، اینجا ذکر السبب و ارادة المسبب است. گفته است ملاقو و معنای لقاء هم همان اتصال است، لکن اراده ادراک که همان مسببش باشد شده است.

#### احتمال پنجم

یک احتمال دیگر این است که اصلا به معنای قرب باشد، یعنی وقتی چیزی به چیز دیگری نزدیک می‌شود می‌گویند اینها همدیگر را ملاقات کردند و در فارسی می‌گوییم به هم برخورد کردند. طبق این احتمال لقاء به معنای زوال الحجاب است؛ اینکه موانع و حجاب‌ها برداشته شود و بتوانند صمیمانه با هم مواجه شوند. مثلا ممکن است دیگری را در جلسه ای هم ببیند، اما این دیدن صرفا ظاهری باشد، اما مجال و فرصتی که از نزدیک گفتگو کنند پیش نیاید. ممکن است کسی رفیقش که، او صمیمیت دارد را هر روز را در محل کار ببیند، اما اگر کسی از او سوال کند که آیا فلان مطلب را به فلان همکارت گفתי، می‌گوید من هنوز ندیدمش با اینکه او را دیده است. معنایش این است که هنوز لقاء به معنای قرب حاصل نشده و حالتی که حجاب وجود نداشته باشد فراهم نشده که مثلا من این سخن را به اطلاع او برسانم. طبق این احتمال لقاء می‌شود همان قرب، نزدیکی و نبودن حاجب و مانع در ارتباط و اتصال.

طبق این احتمال «يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» یعنی خاشعین کسانی هستند که یقین دارند به ملاقات با ربّ و قرب به او و نزدیکی به او و اینکه بالاخره نزد خداوند جایگاه خاصی دارند. این خیلی مهم است. اگر کسی ظن به این داشته باشد که نزد خداوند جایگاه ویژه ای دارد، اگر کسی یقین داشته باشد مقام او نزد خداوند یک مقام خاصی است و مقرب درگاه الهی است و از موقعیتی ویژه برخوردار است، قهرا خودش را جمع می‌کند و خضوع و خشوع او بیشتر می‌شود. وقتی کسی به حقیقتی نزدیک شود و عظمت آن حقیقت را درک کند و ناچیز بودن خودش روز به روز آشکار تر شود، قهرا در مقابل عظمت وجودی خداوند احساس خضوع و کوچکی می‌کند. کسی که به این مقام رسیده باشد، یعنی با درک عظمت وجودی خداوند نمی‌تواند خاشع نباشد.

پس در مورد متعلق ظن در جمله اول پنج احتمال وجود دارد و غیر از احتمال اول که واضح البطلان است، چهار احتمال دیگر در اینجا می‌توان تصویر کرد. اینکه ما لقاء را به معنای رؤیت بگیریم، الا افرادی قلیل، کسی آن را نمی‌پذیرد.

اما در بین این چهار احتمال یعنی ظن به معنای موت، ظن به معنای حکم الله، ظن به معنای ادراک خداوند (که به نوعی با قرب متفاوت است گرچه می‌تواند با هم متداخل باشد) و ظن به معنای قرب الهی باید دید کدام مقبول است.

احتمال ششم

احتمال ششم این است که به معنای ملاقات خودش باشد.

احتمال هفتم

احتمال هفتم این است که ظن به ملاقات ثواب پروردگار و پاداش پروردگار داشته باشد. ملاقات الربّ اى ثواب الربّ، ملاقات الربّ اى معصیت الربّ.

احتمال هشتم

احتمال هشتم یعنی ملاقات الربّ اى ملاقاتُ عَمَلِهِ فى قبال رَبِّهِ، یعنی عمل خودش را در قبال پروردگار اعم از اطاعت و معصیت ببیند.

اگر اینها را ضمیمه کنیم، حدود هشت احتمال در اینجا وجود دارد. اما اینکه کدام یک از این احتمالات رجحان دارد را در جلسه آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله ربّ العالمین»